

شهر سازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری

احمد خادم‌الحسینی* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، گروه جغرافیا، نجف‌آباد، ایران
صفیه عارفی‌پور - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد،
نجف‌آباد، ایران

پذیرش نهایی: ۹۱/۶/۲۵

دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۲۰

چکیده

اگر بخواهیم در توسعه شهرهای امروزی، پاسخ‌گوی احتیاجات امروزی باشیم و سهم نسل‌های آینده از منابع را در نظر بگیریم باید اداره خردمندانۀ شهرها را بر پایه شهرسازی مشارکتی و مشارکت آگاهانه شهروندان تعریف و برنامه‌ریزی کنیم. حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی آنها با مسئولین و متخصصان و دستیابی هرچه سریع‌تر به خواسته‌ها و نیازهایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژه‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق (فرآیند شهرسازی مشارکتی) میسر می‌شود. شهرسازی مشارکتی در جامعه ما به طور عملی در حد بسیار کم‌رنگی وجود دارد. در حال حاضر جایگاه مشارکت شهروندان در شهرهای ایرانی، در حد ظاهر فریبانه و حداکثر اطلاع‌دهی و مشورت کردن است. اما فعالیت‌های مختلف انجام شده یا در حال انجام مانند انتخابات شوراهای محله، توجه به سازمان‌های غیر دولتی و... نوید بخش آینده-ای روشن و امیدوارکننده جهت تدوین مبانی نظری مشارکت شهروندان در شهر و شناسایی کردن عوامل نهادینه‌کننده مشارکت شهروندان است. این مقاله برآن است تا مشارکت و شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری را با در نظر گرفتن واقعیت‌ها تا حد امکان بررسی نموده و اهداف و تدابیر مطلوب جهت نهادینه کردن فرهنگ مشارکت را پیشنهاد دهد. هدف اصلی این مقاله بررسی، جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری در منطقه ۶ شهر اصفهان می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی موردی بوده است که اطلاعات آن به صورت مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری گردیده است. که از یافته‌های این تحقیق می‌توان به مشارکت دادن شهروندان منطقه ۶ از طریق تشکل‌های مردمی (شورایاری‌ها) منسجم، در بهبود جریان مدیریت شهری و استفاده کردن از نظرات شهروندان و مشارکت آنها در امور و برنامه‌ریزی‌های شهری و همچنین اطلاع‌رسانی و فرهنگ سازی به موقع شهروندان در امور و برنامه‌ریزی‌های شهری که به طبع آن توسعه مدیریت شهری اصفهان را در بر خواهد داشت اشاره کرد.

واژگان کلیدی: شهرسازی مشارکتی، مشارکت شهروندان، منطقه ۶ اصفهان.

۱. مقدمه

نقش مردم در تمامی امور اجتماع روز به روز حساس تر می‌شود. حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان که از حقوق طبیعی و خدادادی آنهاست، مورد پذیرش همگان قرار گرفته است. نظریه‌های برنامه‌ریزی در جهان امروز بیش از گذشته به مشارکت و انسانی شدن طرح‌ها تأکید می‌کند این امر به آن علت است که اشکالات و کاستی‌های شهرسازی آمرانه روزه روز مشخص می‌شود و بر لزوم بکارگیری روش‌های مشارکتی صحنه می‌گذارد. در واقع مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان هر کدام به نوبه خود احساس مسئولیت کنند و از حالت یک شهرنشین عادی به یک شهروند مسئولیت پذیر و مشارکت پذیر تبدیل گردند. در کشور ما از ابتدای مطرح شدن امر شهرسازی تاکنون بحث‌های مشارکت مردم چندان جدی گرفته نشده و طرح‌ها و برنامه‌های شهری مختلف بدون حضور و مشارکت مردم تهیه شده‌اند. اما در شرایط فعلی جامعه ما که موضوع در تمامی زمینه‌ها به طور جدی مطرح شده و بحث جامعه مدنی به گفتمان روز بدل گشته است، بررسی و تحلیل موضوع مشارکت مردم در فرآیند شهرسازی ضرورت انکار ناپذیر یافته و شهرسازی مشارکتی به مقوله‌ای مهم و با ارزش تبدیل شده است.

شهرنشینی در واقع عبارت است از هنر زیستن انسان‌ها در کنار یکدیگر، و شهرها محل تبلور این هنر می‌باشند، باگسترش شهرها و پیچیدگی زندگی شهری، برنامه‌ریزی برای شهر، لزوم بیش از پیش یافته است و در نظام برنامه‌ریزی امروزه مشارکت یکی از ارکان پر اهمیت به شمار می‌آید. شهرسازی مشارکتی پیشنهادی است برای نهادینه کردن حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری که امروزه دموکراسی مشارکتی - محلی گرایی، شهرسازی مشارکتی کمک خواستن از شهروندان برای اجرای طرح‌های شهری و دخالت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها جایگزین برنامه‌ریزی متمرکز شده است و مردم تا حدود زیادی جایگاه خویش را یافته‌اند.

حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی و هماهنگی آنان با مسئولان و متخصصان، در دستیابی هرچه سریع‌تر به خواسته‌ها و نیازهای‌شان مطابق با شرایط زندگی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، از طریق فرآیند شهرسازی مشارکتی و مردمی میسر می‌شود (مشهدی‌زاده‌دهقانی، ۱۳۸۵: ۴۰) در مشارکت شهروندان، جوهر مفهوم مشارکت در شهرسازی، خلق فضاهای هرچه مطلوب‌تر و پایدارتر برای ساکنین محلی است. در واقع مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان هر کدام به نوبه خود احساس مسئولیت کنند و از حالت یک شهرنشین عادی و بی‌تفاوت در آینده به یک شهروند مسئولیت‌پذیر تبدیل گردند. کلان شهرها و شهرهای بزرگ امروزی بعنوان بزرگترین اجتماع‌های بشری و همچنین پیچیدگی‌های خاص آنها، اهمیت شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری را نشان می‌دهند. شهر اصفهان با توسعه فیزیکی شتابان و با جمعیتی بالغ بر ۱۶۲۴۸۲۸، یکی از کلان شهرهای بزرگ کشور است که رشد فیزیکی آن به صورت اصولی نبوده و همچنین به علت نبود برنامه‌ریزی مشارکتی در نظام مدیریت شهری باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای از جمله نداشتن تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری، عدم حس همکاری میان شهروندان، شهرداری و مدیران شهری و بی‌اعتمادی میان مسئولان شهری و شهروندان برای این شهر و به خصوص منطقه ۶ شهرداری با جمعیت بالغ بر ۱۰۷۸۷۱ نفر شده است. یکی از اصول و راهبردهایی که می‌تواند در این زمینه گره‌گشا باشد حضور فعالانه شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌ها

می‌باشد با توجه به این که حضور مشارکت شهروندان در زمینه عمران شهری به بهبود محیط زیست منجر خواهد شد. بر این اساس مهمترین اهداف این پژوهش به شرح زیر است:

- تعیین نقش شورایی‌های محلی در توسعه شهری منطقه ۶ شهر اصفهان.
- ارائه راهکارهایی برای بهبود مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری منطقه ۶ شهر اصفهان.
- با توجه به اهداف مطرح شده، فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:
- ایجاد شورایی‌های محلی نقش مؤثری در توسعه شهری منطقه ۶ اصفهان دارد.
- شرایط لازم جهت مشارکت مردم در نظام برنامه‌ریزی منطقه ۶ وجود دارد.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

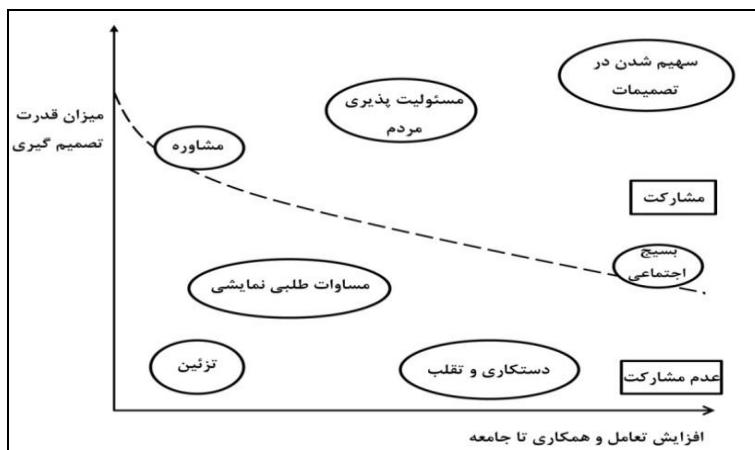
۲-۱. برنامه‌ریزی مشارکتی

برنامه‌ریزی مشارکتی را چنین تعریف می‌کنند: مجموعه‌ای از فرآیندهایی که از طریق آن گروه‌ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند، تا برای تهیه یک برنامه و نحوه انجام آن به توافق برسند. برنامه‌ریزی مشارکتی بر اصول زیر مبتنی است:

- جامعه متکثر است.
- در جامعه بین منافع افراد تضادهای مشروعی وجود دارد؛
- قدرتمندی فردی یا گروهی نباید منجر به تحمیل نظر آنها بر سایرین گردد؛
- طرف‌های درگیر باید برای تکمیل اطلاعات یکدیگر به تبادل اطلاعات با هم پرداخته و از این طریق بکشوند با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شده و تعارضات را کاهش دهند؛
- هیچ فرد یا گروهی در جریان دستیابی به توافق نباید کنار گذاشته شود (دویران، ۱۳۸۷: ۴۳).
- برنامه‌ریزی مشارکتی بر اساس اقدامات خاص انجام می‌شود:
- آموزش جدید برای پرسنل سازمان‌های توسعه در برنامه‌ریزی مشارکتی لازم است؛
- روش مشارکتی در حال توسعه؛
- اطمینان از تصویب روش مشارکتی دولت؛
- تعیین عوامل فعال در کارهای مختلف، نقش آنها و درجه مشارکت آنها در این فعالیت‌ها؛
- تعیین مشارکت فعال و مجهول لازم؛
- روش توسعه تصمیم‌گیری گروهی؛
- ایجاد شناخت محلی؛
- تثبیت استانداردهای مناسب که در جامعه تولید شده و توسط قدرت مسئول آن اصلاح شده است (Roy & Sowgat, 2005:8).

۲-۲. اشکال مختلف مشارکت مردم

از نظر دریسکل^۱ اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی‌تر مشارکت و عدم مشارکت جای می‌گیرد. دریسکل انواع مشارکت را در یک شکل دو بعدی و برحسب میزان اختیار در تصمیم‌گیری به شکل فوق نشان می‌دهد (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸).



شکل ۱. انواع مشارکت و عدم مشارکت از نظر دریسکل (منبع: دریسکل به نقل از حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸)

۲-۳. نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دهه ۱۹۶۰ به این سو، مطرح گردیده است. ملاک انتخاب این نظریه‌ها میزان نوآوری و خلاقیت، استحکام نظری و تأثیر گذاری بر نظریه‌های بعدی می‌باشد.

۲-۳-۱. جیمز میجلی^۱

میجلی بر مبنای پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

(۱) شیوهی ضد مشارکتی^۲:

طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمی‌دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

(۲) شیوهی مشارکت هدایت شده^۳:

در این شیوه، دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند. مشارکت اجتماعات محلی در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی، اجتماعی، با علم به این که مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود (به نقل از همان: ۱۶۶).

(۳) شیوهی مشارکت فزآینده^۴:

در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، به شکلی دوگانه عمل می‌کند؛ به این ترتیب که در موضع گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد.

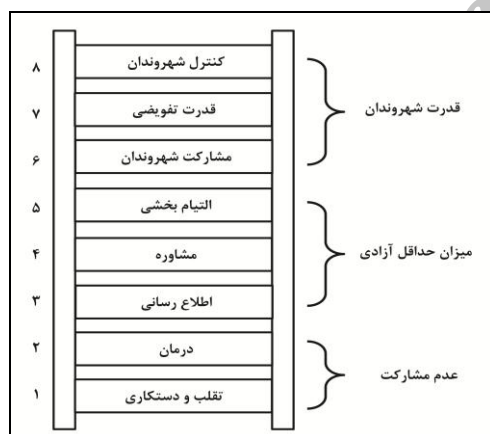
1. jemesmidgley
2. anti-participatory mode
3. manipulated mod of participation
4. incremental mode of participation

۴) شیوهی مشارکت واقعی^۱:

در این شیوه دولت کاملاً از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد ساز و کارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند. در این شیوهی مشارکتی، دولت علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی، متعهد به فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

۲-۳-۲. تئوری مشارکت ارنشتاین^۲

ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و ثابت کرده که مدل سود مندی در گفتگوهای مداوم درباره درگیری جامعه در فرآیند برنامه‌ریزی است که برای توضیح آن از استعاره نردبان مشارکت استفاده کرد. مدل ارنشتاین ملاحظه قدرت اختصاص یافته به مردم را نشان می‌دهد و ابزار کارآمدی در آزمایش ماهیت متدهای مشارکتی گوناگون برنامه‌ریزی است (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۷۲).



شکل ۲. نردبان مشارکت ارنشتاین (منبع: رهنما، ۱۳۸۸: ۱۷۲)

۲-۳-۳. اسکات دیویدسون^۳

اسکات دیویدسون در سال ۱۹۹۸، گردونه‌ی مشارکت را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه، سطوح مختلفی از مشارکت را بدون این که ترجیحی برای هیچ یک قائل شود، ارائه می‌کند. در این مدل تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۷). دیویدسون سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت در نظر دارد که عبارتند از:

۱) اطلاع‌رسانی ۲) مشاوره ۳) مشارکت ۴) توانمندسازی

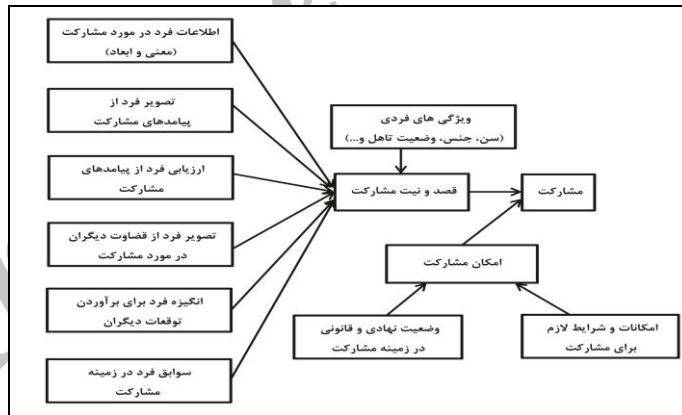
1. genuine mod of participation
2. sherry arnstein
3. Scott Davidson

دریسهکل: در اثر خود با عنوان شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان (راهنمایی برای مشارکت) که توسط یونسکو به چاپ رسیده، مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می‌کند. وی معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

- الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد؛
 ب) مردمی که در محدوده‌ی مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند؛
 ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند (Driskel, 2002:32).

۲-۳-۴. نظریه کنش موجه^۱

آیزن^۲ و فیش باین^۳ نظریه کنش موجه را در ارتباط با مشارکت شهروندان طراحی کردند، اصطلاح کنش موجه به این معنی است که اکثر رفتارها به این دلیل انجام می‌شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر دست به انتخاب منطقی می‌زنند. از این نظریه به روشنی می‌توان نتیجه گرفت که چون مشارکت یک کنش اجتماعی است، بنابراین می‌توان در توضیح و تبیین آن از نظریه‌های مربوط به کنش اجتماعی بهره گرفت. با به کارگیری این نظریه در تبیین مشارکت، متغیرهای اصلی مؤثر بر میزان مشارکت مشخص می‌گردند. مجموعه عوامل مؤثر بر میزان مشارکت و نحوه تأثیرگذاری آنها را می‌توان به صورت شکل (۳) نشان داد (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۴).



شکل ۳. عوامل مؤثر بر میزان مشارکت افراد (منبع: علوی تبار، ۱۳۸۲: ۲۳)

1. Reasoned action
2. L.ajzen
3. M.fishbien

۲-۴. معیارهای اصلی شهرسازی مشارکتی

۱. نیت اصلی و واقعی برنامه‌ریزان: مشارکت واقعی وقتی میسر است که برنامه‌ریزان و مدیران اعتقاد درونی و جدی به مشارکت شهروندان داشته باشند.
۲. دامنه مشارکت: هر چه بیشتر اختیار تصمیم‌گیری به شهروندان واگذار شود به مشارکت واقعی نزدیک تر خواهیم شد.
۳. نگاه به مشارکت: اگر مشارکت خود فی‌نفسه هدف در نظر گرفته شود، به مشارکت واقعی نزدیک تر می‌شویم.
۴. نظرخواهی از شهروندان: طرح‌های مشارکتی از نظر مشاوره با شهروندان نیز با هم متفاوت‌اند.
۵. حق اعتراض به طرح: داشتن حق اعتراض به طرح به همراه سازو کار اعمال این اعتراضات در طرح به گونه‌ای که منافع عموم تأمین شود از ابزارهای مناسب برای سنجش میزان واقعی مشارکت مردم است.
۶. نظارت شهروندان: هرچه مردم نظارت بیشتر و جامع‌تری از جانب مردم وجود داشته باشد به مشارکت واقعی نزدیک تر می‌شویم.
۷. جریان اطلاعات: جهت جریان اطلاعات (یک سویه یا دو سویه بودن آن) و شدت این جریان عامل مهمی در تشخیص میزان و نوع مشارکت شمرده می‌شود.
۸. پشتوانه فکری و فلسفی: مشارکت امری خلق الساعه نیست، هر یک از سطوح مشارکت مبتنی بر سنت‌های ریشه دار فلسفی و سیاسی است. از این نظر نیز می‌توان دسته‌های گوناگون مشارکت را از هم متمایز کرد (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۶).

۲-۵. موانع و محدودیت‌ها در شهرسازی مشارکتی

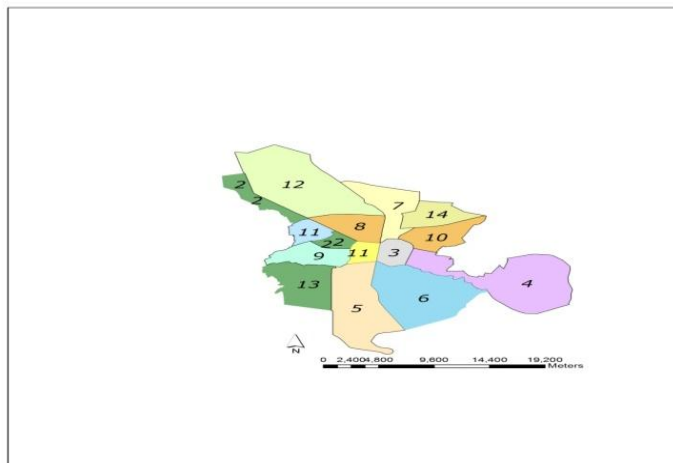
- به رغم اهمیت و ضرورت مشارکت مردمی و تأکید بر نقش قابل توجه آن در کلیه کشورها و مجامع بین‌المللی، به دلیل پیچیدگی، آماده نبودن ساخت نهادی جامعه، نهادینه نشدن همکاری و خودیاری نظام‌های سنتی و نظایر آن، مشارکت با موانع و مشکلات چندی مواجه است که عملاً مانع تحقق آن یا موفقیت پروژه‌های می‌شود که از طریق مشارکت به اجرا در می‌آیند، برخی از موانع عبارتند از:
۱. فقدان آموزش شهروندی
 ۲. ترکیب ناهمگون فرهنگی و جمعیتی شهرها
 ۳. عدم ارتباط مدیریت شهری با نسل
 ۴. بی‌ثباتی حرفه‌ای و مکانی و اجتماعی
 ۵. عدم شکل‌گیری یا فعالیت مؤثر نهادهای مدنی (پیربابائی و شهانقی، ۱۳۸۵: ۸).
- در این زمینه، مشکل این‌جاست که نهادهای مدنی و تشکل‌های مردمی ایجاد نشده‌اند تا از این طریق، نظرات مردم را به نهادهای اجتماعی فوق منتقل کنند. نهادهای مدنی واسطه میان مردم و نهادهای اجتماعی هستند. مجامع صنفی، اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی، انجمن‌های دفاع از حقوق کودکان، زنان و محیط زیست از جمله همین نهادها هستند. تحولات سریع شهرنشینی و آشفته‌گی‌های اجتماعی ناشی از آن، مانع از شکل‌گیری گسترده نهادهای مدنی شده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از تحلیل‌های آماری بوده است. بخش عمده‌ای از اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از پرسش‌نامه (به صورت نمونه‌گیری) از شهروندان جمع‌آوری شده است و با تلفیق مطالعات انجام شده و نتایج بدست آمده از مطالعات به ارایه راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی جهت مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های شهری منطقه ۶ شهر اصفهان پرداخته شده است و همچنین برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۲ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند.

۴. محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد نظر در این پژوهش، منطقه ۶ شهر اصفهان است که یکی از مناطق چهارده گانه شهر اصفهان می‌باشد و در جنوب شرقی این شهر و در حاشیه جنوبی رودخانه زاینده رود قرار دارد. منطقه شش در منتهی‌الیه جنوب شرقی اصفهان قرار گرفته است و از شمال به رودخانه زاینده رود، از جنوب به حریم سبز حفاظتی جنوب بزرگراه شهید کشوری، از قسمت شرق به امتداد خیابان آبشار سوم و از سمت غرب به خیابان‌های چهارباغ بالا، هزار جریب و بزرگراه شهید دستجردی (جاده شیراز) منتهی می‌شود. منطقه ۶ در وضع موجود با مساحتی تقریبی در حدود ۲۲۸۰ هکتار، بخش‌هایی از مرکز و شرق حوزه‌های جنوب زاینده رود را در بر گرفته است (طرح بازنگری منطقه ۶ شهر اصفهان، ۱۳۸۷) بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت منطقه ۶ برابر ۱۰۵۹۳۱ نفر می‌باشد که ۳۲/۲ درصد از جمعیت (۳۲۸۹۵۴ نفری) حوزه جنوب اصفهان را به خود اختصاص داده است (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۸۷). شکل ۱. موقعیت منطقه شش را در شهر اصفهان نشان می‌دهد.



شکل ۴. مناطق ۱۴ گانه شهرداری شهر اصفهان (منبع: سایت معاونت شهرسازی و معماری، ۱۳۸۹)

۵. یافته‌ها

۵-۱. یافته‌های توصیفی

طبق یافته‌های تحقیق زنان با ۶۱ درصد، بیشترین شهروندان پاسخ دهنده را تشکیل داده‌اند که بیشترین رده سنی نیز مربوط به سنین ۲۰-۱۵ سال با ۴۴ درصد می‌باشد. ۳۷ درصد از کل شهروندان پاسخ‌گو را دانشجویان تشکیل داده‌اند که از این تعداد ۴۰/۷ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. از نظر شهروندان مشارکت در امور شهری، یک حق شهروندی است و میزان آگاهی خود را از قوانین و حقوق شهروندی کمتر از ۴۰ درصد می‌دانند. همچنین شهروندان روش برنامه‌ریزی مشارکتی با حضور شورای شهر و شهرداری را یکی از روش‌های مناسب می‌دانند.

۵-۱-۱. ارگان مؤثر در نهادینه شدن مشارکت شهری و محله‌ای

جدول (۱) نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب این که کدام ارگان تأثیر بهتر و بیشتری در نهادینه شدن مشارکت شهری و محله‌ای دارد را نشان می‌دهد چنانچه از جدول مشاهده می‌شود پاسخ‌گویان ۲۱/۷ درصد با شهرداری به خاطر شرایط اجرایی که دارد برای نهادینه شدن مشارکت شهری و محله‌ای موافق هستند و ۱۹ درصد موافق تشکیل شوراهای محلی و شورابارها و حضور معتمدین محلی و ۱۳/۷ درصد موافق شورای شهر بخاطر شرایط قانون گذاری اش و ۱۲/۳ درصد با سازمان‌های غیردولتی بخاطر فعالیت‌هایی که دارند برای نهادینه شدن مشارکت شهری و محله‌ای موافق هستند ۵۳/۲ درصد با ترکیبی از همه این ارگان‌ها موافق هستند.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب ارگان مؤثر در نهادینه شدن مشارکت شهری و محله‌ای

درصد فراوانی		فراوانی		ارگان مؤثر در نهادینه شدن مشارکت شهری و محله‌ای
موافق تأثیر	مخالف تأثیر	موافق تأثیر	مخالف تأثیر	
۱۳.۷	۸۶.۳	۴۱	۲۵۹	شورای شهر (با قانون گذاری)
۲۱.۷	۷۸.۳	۶۱	۲۳۵	شهرداری (با اجرا)
۱۲.۳	۸۷.۷	۳۷	۲۶۳	سازمان‌های غیر دولتی (با فعالیت)
۱۹	۸۱	۵۷	۲۴۳	شورای محلی و شورابارها (بامعتمدین)
۵۳.۲	۴۶.۷	۱۶۰	۱۴۰	ترکیبی از همه
۱۰۰		۳۰۰		جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

۵-۱-۲. مهمترین عوامل جلب مشارکت مردم در امور شهری

چنانچه جدول (۲) نشان می‌دهد، پاسخ‌گویان با ۵۰ درصد استفاده از رسانه‌های گروهی (تلویزیون، اینترنت و...) برای جلب مشارکت مردم موافق هستند و ۳۵/۳ درصد با آموزش و اطلاع رسانی در محله‌ها و ۳۲/۷ درصد با تشویق کردن و ۳۲ درصد جلسات گفتمان و کارگاه‌های مشترک مردم و مسئولین و ۲۹/۷ درصد تشکیل شوراهای محلی و شورابارها و ۲۶/۳ درصد توضیح در مورد طرح‌ها و برنامه‌ها در تالار گفتمان شورای شهر و ۲۳/۳ درصد تقویت سازمان‌های غیر دولتی وارگان‌های مشارکتی و ۲۲/۳ درصد نظرسنجی در محله‌ها و ۲۰/۷ درصد نهادینه کردن مشارکت و مشخص شدن متولی آن و ۱۳/۷ درصد ارائه گزارش مکتوب به معتمدین محلی در دوره‌های مشخص را از عوامل مؤثر در جلب مشارکت مردم بیان کرده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب مهمترین عوامل جلب مشارکت مردم در امور شهری

درصد فراوانی		فراوانی		مهمترین عوامل جلب مشارکت مردم در امور شهری
موافق	مخالف	موافق	مخالف	
۳۵.۳	۶۴.۷	۱۰۶	۱۹۶	(الف) آموزش و اطلاع‌رسانی در محله
۲۲.۳	۷۷.۷	۶۷	۲۳۳	(ب) نظر سنجی در محله
۳۲	۶۸	۹۶	۲۰۴	(ج) جلسات گفتمان و کارگاه‌های مشترک مردم و مسئولین
۲۹.۷	۷۰.۳	۸۹	۲۱۱	(د) تشکیل شوراهای محلی و شورایارها
۱۳.۷	۸۶.۳	۴۱	۲۵۹	(ه) ارائه گزارش به معتمدین محلی
۲۰.۷	۷۹.۳	۶۲	۲۳۸	(و) نهادینه کردن مشارکت و مشخص شدن متولی آن
۳۲.۷	۶۷.۳	۹۸	۲۰۲	(ی) تشویق
۲۳.۳	۷۶.۷	۷۰	۲۳۰	(ز) تقویت سازمان‌های غیر دولتی و ارگان‌های مشارکتی
۵۰	۵۰	۱۵۰	۱۵۰	(ط) استفاده از رسان‌های گروهی
۲۶.۳	۷۳.۷	۷۹	۲۲۱	(ک) توضیح طرح‌ها و برنامه‌ها در تالار گفتمان شورای شهر
جمع		۳۰۰		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

۳-۱-۵. بهترین و مؤثرترین روش تصمیم‌گیری در امور شهری

چنانچه در جدول (۳) مشاهده می‌شود ۴۸/۷ درصد پاسخ‌گویان موافق تأثیر بهتر شورایی بودن تصمیم‌گیری‌ها در امور شهری هستند و ۴۵ درصد موافق این که تدوین اطلاعات اولیه به صورت فردی و تصمیم‌گیری نهایی به صورت شورایی باشد هستند و ۱۸/۴ درصد موافق این که تصمیم‌گیری اولیه مشاوره‌ای و شورایی و در نهایت انفرادی باشد و فقط ۴/۷ درصد موافق تصمیم‌گیری‌ها به صورت انفرادی هستند.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب مؤثرترین روش تصمیم‌گیری در امور شهری

درصد فراوانی		فراوانی		بهترین و مؤثرترین روش تصمیم‌گیری در امور شهری
موافق تأثیر روش	مخالف تأثیر روش	موافق تأثیر روش	مخالف تأثیر روش	
۴۸.۷	۵۱.۳	۱۴۶	۱۵۴	شورایی
۴.۷	۹۵.۳	۱۴	۲۸۴	انفرادی
۱۸.۴	۸۱.۷	۵۵	۲۴۵	مشاوره شورایی و تصمیم‌گیری نهایی انفرادی
۴.۵	۵۵	۱۳۵	۱۶۵	تدوین اولیه انفرادی، تصمیم نهایی
جمع		۳۰۰		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

۴-۱-۵. نقش مؤثر ایجاد شورایارهای محلی در توسعه شهری منطقه ۶

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود ۳۴/۷ درصد پاسخ‌گویان نقش مؤثر ایجاد شورایارهای محلی در توسعه شهری منطقه ۶ را در حال حاضر بین ۶۰-۴۰ درصد بیان کرده‌اند و ۲۱ درصد بین ۴۰-۲۰ درصد و ۱۹/۳ درصد بین ۸۰-۶۰ درصد و ۱۴/۷ درصد بیشتر از ۸۰ درصد و فقط ۱۰/۳ درصد پاسخ‌گویان این نقش را کمتر از ۲۰ درصد بیان کرده‌اند و این نشان می‌دهد که نقش مؤثر ایجاد شورایارهای محلی در توسعه شهری منطقه ۶ از نظر اکثر پاسخ‌گویان بیشتر از حد متوسط است.

جدول ۴. پراکندگی فراوانی اعتقاد پاسخ‌گویان نسبت به نقش مؤثر ایجاد شوراباهاى محلی در توسعه شهری منطقه ۶

درصد فراوانی	فراوانی	نقش مؤثر ایجاد شوراباهاى محلی در توسعه شهری منطقه ۶
۱۰.۳	۳۱	کمتر از ۲۰ درصد
۲۱	۶۳	بین ۲۰-۴۰ درصد
۳۴.۷	۱۰۴	بین ۴۰-۶۰ درصد
۱۹.۳	۵۸	بین ۶۰-۸۰ درصد
۱۴.۷	۴۴	بیشتر از ۸۰ درصد
۱۰۰	۳۰۰	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

۵-۱-۵. شرایط لازم جهت مشارکت مردم در نظام برنامه‌ریزی شهری منطقه ۶

جدول (۵) نشان می‌دهد که ۵۸/۳ درصد پاسخ‌گویان این شرایط لازم را کمتر از ۲۰ درصد بیان کرده‌اند و ۲۷.۴ درصد بین ۲۰-۴۰ درصد و ۸/۳ درصد بین ۴۰-۶۰ درصد و ۳/۷ درصد بین ۶۰-۸۰ درصد و فقط ۲/۳ درصد بیشتر از ۸۰ درصد این شرایط را جهت مشارکت مناسب ارزیابی کرده‌اند و این نشان می‌دهد که شرایط لازم جهت مشارکت مردم در نظام برنامه‌ریزی شهری منطقه ۶ از نظر اکثر پاسخ‌گویان کمتر از حد متوسط است.

جدول ۵. پراکندگی فراوانی اعتقاد پاسخ‌گویان نسبت به شرایط لازم جهت مشارکت مردم در نظام برنامه‌ریزی شهری منطقه ۶

درصد فراوانی	فراوانی	شرایط لازم جهت مشارکت مردم در نظام برنامه‌ریزی شهری منطقه ۶
۵۸.۳	۱۷۵	کمتر از ۲۰ درصد
۲۷.۴	۸۲	بین ۲۰-۴۰ درصد
۸.۳	۲۵	بین ۴۰-۶۰ درصد
۳.۷	۱۱	بین ۶۰-۸۰ درصد
۲.۳	۷	بیشتر از ۸۰ درصد
۱۰۰	۳۰۰	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

۵-۲. یافته‌های تحلیلی

برای آزمون فرضیه از روش آزمون t یک طرفه استفاده شده است. این آزمون بر این فرض استوار است که تعداد π مشاهده به صورت تصادفی مستقل، از جامعه‌ای با توزیع نرمال استخراج شده و در یک متغیر با مقیاس فاصله‌ای تنظیم شده است و در سطح معنای ۰/۰۵ فرضیه آزمون را تأیید یا رد می‌کنیم. نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: ایجاد شوراباهاى محلی نقش مؤثری در توسعه شهری منطقه ۶ اصفهان دارد.

با توجه به سوال های مربوط به این فرضیه و پاسخ‌های ارائه شده برای هر سوال، می‌توان میانگین کل برابر با ۵۰ درصد را گویای سطح متوسطی از نقش شوراباها دانست که در توسعه شهری منطقه ۶ اصفهان تأثیرگذار هستند، اگر فرضیه فوق درست باشد، باید در آزمون t ذیل، فرض صفر رد شود.

$$\begin{cases} H_0 : \mu = 50\% \\ H_1 : \mu \neq 50\% \end{cases}$$

برای انجام آزمون فوق ابتدا چک می‌کنیم که میانگین نقش شورایارها در نمونه چگونه است؟ جدول زیر میانگین و سایر شاخص‌های توصیفی مهم را در نمونه نشان می‌دهد:

جدول ۶. شاخص‌های توصیفی شورایاری‌ها

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شرح
۲۲.۹۷	۵۵.۷۷	۲۹۱	نقش شورایارها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ میانگین نقش شورایارها برابر با ۵۵/۷۷ شده است که از ۵۰ درصد سطح متوسط بیشتر است. بنابراین در نمونه‌ی آماری این تحقیق مشاهده شده است که نقش شورایارها در توسعه شهری منطقه ۶ اصفهان تأثیرگذار هستند اما آیا می‌توان این نتیجه را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد؟ اینجا است که به سراغ آزمون t می‌رویم. جدول زیر نتیجه‌ی آزمون t را نشان می‌دهد:

جدول ۷. آزمون T یک طرفه شورایاری‌ها

One-Sample Test						
%۵۰ Test Value =						
فرضیه ۱	t	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
	4.284	290	.000	5.770	3.12	8.42

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

در جدول فوق مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ شده است و چون این مقدار از ۰/۰۵ (خطای نوع اول) کمتر است، در آزمون فرضه مزبور، فرض صفر رد می‌شود پس فرضیه فوق درست است و می‌توان گفت: با توجه به آزمون معناداری فرضیه اول تأیید شده و نتایجی که از آزمون معناداری فرضیه اول حاصل شد نشان می‌دهد، ایجاد مدل و الگوی مناسب مشارکتی و مشارکت دادن شهروندان از طریق تشکل‌های مردمی (شورایاری‌ها) منسجم، در بهبود جریان مدیریت شهری و توسعه شهری تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد شورایاری‌های محلی و شورای اسلامی شهر اصفهان و شهرداری منطقه ۶ می‌توانند با تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های تخصصی در این سازمان‌ها و مشارکت داوطلبانه کارشناسان و متخصصان و شهروندان، موجبات ارتقاء و توسعه شهری را فراهم کنند. ایجاد چنین تشکل‌های مردمی در منطقه ۶ به منظور مشارکت شهروندان در امور و برنامه‌ریزی‌های شهری می‌تواند موجب توسعه شهری و احساس تعلق به جامعه شده و روحیه مشارکت‌پذیری را ارتقاء دهد.

فرضیه دوم: شرایط لازم جهت مشارکت مردم در نظام برنامه‌ریزی منطقه ۶ وجود دارد.

با توجه به سوال‌های مربوط به این فرضیه و پاسخ‌های ارائه شده برای این سوال، می‌توان میانگین کل برابر با ۵۰ درصد را گویای سطح متوسطی از شرایط (بستر) لازم جهت مشارکت مردم دانست که در برنامه‌ریزی شهری منطقه ۶ اصفهان وجود دارد. اگر فرضیه فوق درست باشد، باید در آزمون t ذیل، فرض صفر رد شود.

$$\begin{cases} H_0 : \mu = 50\% \\ H_1 : \mu \neq 50\% \end{cases}$$

برای انجام آزمون فوق ابتدا چک می‌کنیم که میانگین شرایط مناسب مشارکت در نمونه چگونه است؟

جدول زیر میانگین و سایر شاخص‌های توصیفی مهم را در نمونه نشان می‌دهد:

جدول ۸. شاخص‌های توصیفی شرایط مشارکت

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شرح
۲۰.۰۶	۲۶.۵۹	۲۸۵	شرایط مشارکت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ میانگین شرایط مناسب جهت مشارکت مردم برابر با ۲۶/۵۹ شده است که از ۵۰ درصد سطح متوسط کمتر است. بنابراین در نمونه‌ی آماری این تحقیق مشاهده شده است که شرایط مناسب جهت مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری منطقه ۶ اصفهان وجود ندارد و کمتر از حد متوسط است اما برای تعمیم این نتیجه به جامعه‌ی آماری از آزمون t استفاده می‌کنیم:

جدول ۹. آزمون T یک طرفه شرایط مشارکت

One-Sample Test						
%۵۰ Test Value =						
فرضیه ۳	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
	-19.734	285	.000	-23.409	-25.74	-21.07

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

از آنجا که سطح معناداری برابر ۰.۰۰۰ شده و این مقدار از ۰/۰۵ (خطای نوع اول) کمتر است، می‌توانیم بگوییم که میانگین پاسخ‌ها (شرایط مشارکت مردم) برابر با سطح متوسط نیست در نتیجه آزمون فرض مزبور، فرض صفر رد شده و به این معناست که فرض میانگین=۵۰ درصد رد شده است و لذا میانگین شرایط و بستر مناسب جهت مشارکت مردم برابر ۵۰ درصد سطح متوسط نیست یعنی میانگین بزرگتر و یا کوچکتر از ۵۰ درصد است و با مشاهده فواصل اطمینان مشخص می‌شود که میانگین کوچکتر از ۵۰ درصد است و این بدان معناست که فرضیه تحقیق رد می‌شود و در نتیجه نمی‌توان گفت: آنچه از نتایج رد شده مربوط به آزمون معناداری فرضیه دوم به دست می‌آید، مبین این موضوع است که از دیدگاه شهروندان، شرایط لازم جهت مشارکت مردم منطقه ۶ در نظام برنامه‌ریزی شهری وجود ندارد. با توجه به نتیجه بدست آمده، چنین به نظر می‌رسد که عامل اصلی عدم مشارکت شهروندان منطقه ۶ بی‌اعتمادی‌ها که نتیجه نا آگاهی و عدم اطلاع رسانی به موقع است. چنانچه شهرداری منطقه ۶ اصفهان و مجموعه مدیریت شهری، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی به موقع نداشته باشند و روند اجرایی امور را از شهروندان پنهان کنند، حاصل کار، بدبینی و بی‌اعتمادی و عدم مشارکت‌پذیری شهروندان در امور و برنامه‌ریزی‌های شهری و به طبع آن ناکارآمدی

توسعه مدیریت شهری می‌باشد. با توجه به این که یکی از اولین نشانه‌های پیشرفت مشارکت، داشتن آگاهی می‌باشد، پیشنهاد می‌شود رسانه‌های ارتباط جمعی، نسبت به اطلاع رسانی و آگاه سازی شهروندان و ارتقاء فرهنگ مشارکت پذیری اقدام‌های مؤثر عملی و اجرایی را معمول دارند.

۶. نتیجه گیری

طی بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که نیت اصلی برنامه‌ریزان، شهرداری منطقه ۶ در بیشتر طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری، عمدتاً تأمین منافع برنامه‌ریزان و کارفرمایان بوده است؛ دامنه مشارکت، تأمین اعتبار مالی طرح‌ها و نگاه به مشارکت عموماً به عنوان ابزاری جهت مشروعیت بخشی به طرح‌هاست. نظر خواهی از شهروندان منطقه ۶ صورت نمی‌گیرد، حق اعتراض به طرح و نظارت شهروندان وجود ندارد و جریان اطلاعات عمدتاً یک سویه است و پشتوانه فکری غالب، دیدگاه کارکردگرایانه می‌باشد. به این ترتیب طرح‌های مشارکتی با توجه معیارهای شهرسازی مشارکتی، منطبق با ویژگی‌های مشارکت شعاری هستند و تنها در یک مورد با شرایط مشارکت محدود مطابقت دارند؛ بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در منطقه ۶ اصفهان که داعیه مشارکتی بودن دارد، کاملاً منطبق با شرایط مشارکت شعاری است و هنوز با اولین مراحل مشارکت واقعی فاصله زیادی دارد. همچنین ساز و کارهای مشارکت مردم منطقه ۶ با توجه به شرایط می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد و از اطلاع رسانی ساده، و تشکیل شورایی‌ها تا جلسات بحث و گفتگو و همه پرسی و نظرجویی از گروه‌های کوچک و بزرگ، به اجرا درآید. مدیران و برنامه‌ریزان شهری اصفهان باید بدانند که اگر بخواهیم در جامعه همبستگی و اتفاق و اتحاد به وجود آوریم و بدنه جامعه را از رأس هرم مدیریتی جدا نسازیم تنها طریق ممکن، مشارکت شهروندان و احترام به نظرات و ایده‌های آنان است و این مهم را از هر طریقی که میسر باشد باید انجام داد. مشارکت شهروندان اصفهانی، نظام پارلمانی و نمایندگی را تحکیم می‌بخشد و در کنار آن، جامعه‌ای منسجم و همبسته به وجود می‌آورد. در یک جمع بندی نهایی با توجه به تحلیل فرضیات می‌توان گفت: که مجموعه مدیریت شهری شهرداری منطقه ۶ اصفهان در بهره گیری از مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های شهری ضعیف عمل کرده است. با توجه به یافته‌های این پژوهش و هدفی که از مشارکت در نظر می‌باشد و ماهیت موضوعی که مورد بحث است، راهکارهای مختلفی ارائه می‌شود که مدیران و برنامه‌ریزان شهری اصفهان و بالاخص شهرداری منطقه ۶ می‌توانند از آنها برای جلب مشارکت بیشتر شهروندان استفاده کنند.

- تشکیل شوراهای محلی در سطح محلات که این روش مشارکت می‌تواند، بهترین شیوه مشارکت مردم در جهت بهبود و ارتقاء محیطی باشد؛

- از نظر شهروندان، برای بهتر شدن مشارکت مردم با شهرداری طراحی سایت نظر خواهی و برقراری روابط الکترونیکی و حرکت کردن به طرف شهرداری‌های الکترونیکی می‌تواند یکی از عوامل مثبت قلمداد شود؛

- شهروندان برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی را باعث بالا بردن تعلق اجتماعی خود می‌دانند؛

- مساعدت رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی در جهت فرهنگ سازی، مخصوصاً اطلاع رسانی در خصوص ضرورت شرکت داوطلبانه شهروندان در امور شهری به عنوان کلیدی ترین راهکارهای مشارکت مردمی می‌باشد؛
- قبل از اجرای طرح‌های شهری از شهروندان نظر خواهی صورت گیرد؛
- جلب اعتماد شهروندان از طریق به فعلیت رساندن نظرات شهروندان باعث اعتماد مردم به مدیران شهری می‌شود؛
- چارچوب‌های اصلی تهیه برنامه باید با موافقت ساکنان محلی تهیه شود و سپس بر اساس آنها کار برنامه‌ریزی آغاز شود؛
- مناسب بودن یک طرح یا پروژه برای منطقه، مناسب با فرهنگ مردم، باعث همکاری بیشتر ساکنین منطقه و محله می‌گردد؛
- با وجود جلسات هم‌اندیشی بین مردم و مسئولین در خصوص راه‌های مشارکت مردم، می‌توان حس مسئولیت‌پذیری شهروندان را افزایش داد؛
- استفاده کردن از اماکن عمومی - مذهبی در جهت پیشبرد و فرهنگ سازی، تصمیم‌گیری شهروندان و افزایش سطح اطلاعات عامه مردم در مورد معقول بودن خواسته‌ها و نظراتشان؛
- با اعطای بخشودگی مالیاتی برای شهروندانی که مشارکت در امور شهری دارند می‌توان زمینه مشارکت شهروندان را افزایش داد؛
- لازمه تحقق مشارکت مردمی اختیار داشتن حکومت‌های محلی و شورای شهر بوده که می‌توانند برنامه‌ریزی جهت مشارکت انجام دهند؛
- مسئولین امور شهری باید از افراد متخصص و متعهد به معنای واقعی باشند و نه صرفاً متعهد؛
- برای جلب مشارکت بین مسئولین و مردم باید از طریق شفاف سازی نحوه هزینه کرد آن در هر یک از طرح‌ها و پروژه‌های شهری به صورت مشخص و معلوم استفاده کرد؛

۷. منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، انتشارات نی، تهران.
۲. پیربابایی، محمدتقی و شهانقی، امیر واعظ، ۱۳۸۵، مبانی و چشم‌انداز شهرسازی مشارکتی در بهسازی و ساماندهی معضلات شهری، دانشگاه هنر، تبریز.
۳. حبیبی، محسن و سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۵، شهرسازی مشارکتی: تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی، فصل‌نامه صفا، شماره ۴۳، صص ۷۰-۵۰.
۴. حبیبی، محسن و سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۴، شهرسازی مشارکتی: کاوشی نظری در شرایط ایران، فصل‌نامه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۲۴-۱۵.
۵. دوبران، اسماعیل، ۱۳۸۷، توسعه محله‌ای در شهر زنجان (نمونه موردی: محله مسکونی اسلام آباد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. رهنما، محمدتقی، ۱۳۸۸، برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوری‌ها، تجربیات و تکنیک‌ها)، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۷. سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان، ۱۳۷۶، طرح تفصیلی شهر اصفهان (منطقه ۶)، مهندسین مشاور نقش جهان - پارس.

۸. سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۴، شهرسازی مشارکتی: کاوشی نظری در شرایط ایران، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۱۵-۲۴.
۹. شریفیان ثانی، مریم، ۱۳۸۰، مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸.
۱۰. علوی تبار، علیرضا، ۱۳۸۲، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی)، انتشارات سازمان شهرداریها، جلد دوم، تهران.
۱۱. مشهدی زاده دهقانی، ناصر، ۱۳۸۱، شهرسازی مشارکتی، مجله شهرداریها، شماره ۳۵، صص ۴۴-۴۰...
۱۲. معاونت برنامه ریزی استانداری اصفهان، ۱۳۸۷، سالنامه آماری استان اصفهان، پژوهش و فناوری اطلاعات.
13. Chege, p., 2006. **Participatory Urban planning and Partnerships Building: Supporting provision of Access to Basic Services for the Urban poor: A Case Study Based on Practical Actions (ITDG) Experiences in Kitale, a Secondary Town in Kenya**, pp.1-15
14. Driskel, D., 2002, **Creating Better Cities With Children and Youth (A manual for participation)**, unasco publishing and Earthscan publication ltd.
15. Roy, sh & Sowgat, T., 2005. **Peoples participation: Planning practice in a third world city**, the case of Khulna city the case of Khulna city. Bangladesh. pp.1-11
16. www.odpm.gov.uk/stellent/groups/odpm-planning/documents/pdf-

Archive of SID